

پژوهش

فقه

امروزه، به برکت رستاخیز بزرگی که امام خمینی، رحمة الله علیه، در این بوم و بر آفرید، پژوهش، که تار و پود حرکت و پویای بدن بسته است، جایگاه ویژه یافته و به زیبایی و رخشانای اوج گرفته است. پژوهشگاه‌های بسیار دامن گسترده، جشنواره‌های بسیار بر پا شده و می‌شوند، انجمنهای پژوهشی پا گرفته، پژوهش‌گر بر صدر نشانده شده و بزرگش می‌دارند و کارش را می‌ستایند. این همه، نشان از رویکرد مبارك و ارج گذاری جمعی است به مهم‌ترین، اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین نیاز اجتماعی امروز و فردای ما.

از آن نواخت و این رویکرد، آینده زیبا و پرشکوه و جلالی را می‌توان برای پژوهش، پیش‌بینی کرد و از اوج‌گیری، دامن‌گستری و پرتوافشانی پژوهش، در آینده‌ای نه‌چندان دور، خبر داد.

امید می‌رود با این دریچه‌ای که رو به ساحت و چشم‌انداز بس زیبای پژوهش گشوده شده و خنکای نسیم آن در هر انجمن و محفل علمی، در جانهای شور می‌آفریند و دلها را می‌انگیزاند، به زودی جایگاه خود را در هر نظام مقدس

♦ جمهوری اسلامی بیابد و در برنامه کلان کشور، در کنار آموزش قرار
♦ بگیرد.

♦ نیروهای جوان، با استعدادهای درخشان، توان فکری بالا، افق
♦ فکری گسترده، اگر به آسانی به تواناییهای پژوهشی دسترسی یابند، به
♦ درستی از افقی جدید مدیریت شوند، در چهارچوب برنامه ریزی دقیق،
♦ روشن و همه سویه، قرار گیرند و حرکت خویش را بیابازند، افق
♦ روشنی در گوناگون عرصه های پژوهش، بویژه پژوهشهای دینی پدید
♦ خواهند آورد.

♦ اگر همراه، همساز و هماهنگ با آهنگ پژوهش، نیازهای جدی
♦ جامعه علمی و مردمان، در چشم انداز قرار نگیرند، پژوهش به بی راهه
♦ خواهد افتاد و از دامن گستری و پرتوافشانی باز خواهند ماند و در به
♦ حرکت در آوردن چرخهای جامعه، نقشی نخواهد آفرید و کاری خواهد
♦ بود بیهوده و بی بازده.

♦ پژوهش و کند و کاو، اگر شوروی نینگیزد، حرکتی نیافریند، جامعه نو
♦ به تن جامعه نپوشاند، افقهای نوی نگشاید، همان راه های کهنه و بسیار
♦ رفته را بیماید، ارکان جامعه بنیاد گشته بر چنین پژوهشی، یکی پس از
♦ دیگری فرو خواهد ریخت.

♦ پژوهش است که اندیشه نو را پدید می آورد و اندیشه نو است که
♦ جامعه را نو می سازد و می شکوفاند و اوج می دهد.

♦ اگر جامعه ای از این مهم بی بهره باشد، یا داشته باشد، ولی به خاطر
♦ کهنگی، فرسودگی و زنگ زدگی، نتواند بر مدار آن حرکت کند، رو به

- افول خواهد گذاشت .
- بلہ ، آنچه امروز در جامعہ علمی ما ، نگرانیہایی را پدید آورده ،
- کھنہ گرایہی ، جموداندیشی ، کم دانشی کارگزاران امر پژوهش است ؛
- ہمانان کہ در عرصہ اند و میدان دار و بہ پندار خود پژوهش را ہدایت
- می کنند و جہت می دہند .
- اینان ، چون بی بہرہ از دانشہای روز ، اندیشہ ہای نو ، راہگشا ،
- دگرگونی آفرین ، بالندہ و شکوفاند ، در پرتو مدیریت ، شوق انگیزی و
- پشتیبانی آنان پژوهشہایی میدان می یابند کہ از نوآوری و خیزش ،
- بی بہرہ اند و کھنگی ، تکرار ، ناسودمندی و ناراہگشایی ، سر تا پای آنها
- را فرا گرفته است .
- این حرکت ، کم گویان نوگوی را بہ انزوا می کشاند و پرگویان و کھنہ گوی
- را بر صدر می نشاند و از ہمین جا افول آغاز می شود .
- آنچہ کہ نیاز جامعہ است ، باید بہا دادہ شود و در صدر قرار گیرد ، نہ
- انبوہ پژوهشہای کنار ماندہ از حرکت و پویش جامعہ ، ہمانا جرقہ ہایی کہ
- گہ گاہ در دل تاریکیہا و تیرگیہا جلوہ گری می کنند .
- اگر این پژوهشہا و اندیشہ ہای جرقہ گون ، پاس داشتہ شوند و ارج
- ببینند ، بہ زودی بسیار خواهند شد و آسمان پژوهش را شہاب باران خواهند
- کرد .
- این کہ می بینیم ، تار و پود پژوهش در این بروہوم ، از ہم گسستہ
- است ، رونویسی بسیار ، از این و از آن گرفتن و بہ نام خود بہ زیور چاپ
- آراستن ، معمول و رونق بازار ، پژوهش گر نمایان یک شبہ رہ صد سالہ

- ◇ پیموده، میدان دار... از این جا سرچشمه می گیرد که به نوگرایان که بسیار
 ◇ اندکند و کم شمار، توجه نمی شود و پژوهش آنان که به سختی سامان
 ◇ یافته و از گردونه های دشوار گذر، گذر کرده و راه های پرسنگلاخ بسیار
 ◇ را پیموده، تا چنین زیبا و آراسته فرا روی ما قرار گرفته، در مدار توجه
 ◇ قرار نمی گیرد.
- ◇ این حرکت، خواسته یا ناخواسته، نوآوران را بیش از پیش به انزوا
 ◇ می کشاند، برگ و بار آنان را می ریزد و انگیزه را از آنان می گیرد، همان
 ◇ انگیزه قوی که آنان را به وادی نوآوری، با همه دشواریهایش کشانده است.
- ◇ این از هم گسستگی و آشفته بازاری، پیامدهای ناگوار بسیار دارد که
 ◇ به پاره ای از آنها، اشاره شد و پاره ای دیگر اکنون، فرا روی قرار می گیرند:
- ◇ ۱. جدایی بین خروجیهای پژوهش، بانیازها.
 - ◇ ۲. پرداختن به گزاره های کم اهمیت و تنها علمی و مدرسه ای.
 - ◇ ۳. ناشناخته ماندن اندیشه و ران نوآور و اندیشه های نو.
 - ◇ ۴. رویگردانی فرهیختگان، جویندگان اندیشه های نو، از پژوهشها،
 ◇ بویژه پژوهشهای دینی.
 - ◇ ۵. دامن گستری ناعدالتیها، برتری دادن رنج نادیدگان بر رنج دیدگان
 ◇ و تلاش گران نستوه، در کانونهایی که باید پاسدار عدالت و بری از هر گونه
 ◇ تبعیض ناروا باشند.
 - ◇ ۶. مرگ و افول فرهنگ و اندیشه، دو اهرم به حرکت درآورنده جامعه،
 ◇ همانها که بستگی شدید به نوآوری و میدان داری نوآوران دارند.
- ◇ این دوباره کاریها، دستبرد به آثار دیگران، نشر اندیشه های کهنه،

- ✧ خرافه، سخنان سست بنیاد و ... با هزینه های کلان و گزاف، امروز چهره
- ✧ جامعه علمی را کدر، غبارآلود و زشت جلوه گر ساخته که باید اهل اندیشه
- ✧ و فرهنگ، دانایان و روشن روانان، به پا خیزند، همت گمارند و حرکت
- ✧ نوینی را بیاغازند و با بنان و بیان، با پژوهشهای ملال آور، خستگی افزون،
- ✧ عمر بر باد ده، اندیشه سوز و هزینه هدر ده در افتند و بنیادی نو و با شکوه
- ✧ برای پژوهشها، پی افکنند.
- ✧
- ✧ اگر پیشینیان، به زیبایی قلّه پژوهش را در نور دیده اند، نه از آن روی
- ✧ بوده که استعداد داشته و توانایی و از همه چیز بهره مند که پژوهش گران و
- ✧ پژوهشگاه های ما، از این مواهب بیش تر بهره مندند؛ بلکه آنچه آنان از آن
- ✧ بهره داشته اند و ما نداریم، قاعده و تراز مندی و پای بندی به اصول و
- ✧ قواعد پژوهش و توجه به سزاوارها و بایسته های پژوهش و نگارش
- ✧ است. سند زیر، بخشی از این حقیقت را می نمایاند:
- ✧ میرزا ابوالفضل تهرانی، در مقدمه کتاب شفاء الصدور، می نویسد:
- ✧ «این حزم ظاهری، در رساله اندلسیه، که الطف رسائل
- ✧ معموله در این باب است (اقسام سبعة تصنیف) گفته و
- ✧ سایر فضلا و حکما نیز، به موافقت یا متابعت او قاعده
- ✧ تأسیس کرده اند که هیچ عاقلی را روا نیست که تخطی
- ✧ کند از تألیف بر یکی از هفت قسم:
- ✧ اول. چیزی که اختراع و ابتکار کند که مسبوق به او نشده
- ✧ باشد.
- ✧ دوم. عملی، یا کتابی ناقص که او را تممیم و تکلمه
- ✧ کند.

سیم. مشکلی سر بسته و در بسته که به شرح، فتح افعال و دفع اشکال او کند.

چهارم. کتابی، یا عملی مفصل و طویل الذیل، که به حذف زوائد و جمع فوائد او را مختصر کرده، بی اختلال به جزئی و بی نقیصه، به قالب تصنیف بر آورد.

پنجم. امور متفرقه پراکنده که به سلسله جامعه فراهم آورد و در رسته جمع و تألیف کشد.

ششم. مسائل مختلطه، در هم شده که غیر مرتب و نامنضدند، بر وجهی خاص و ترتیبی مخصوص، در سلک ترتیب و تنضید بر آورد.

هفتم. کتابی، یا مسأله ای که در او، مؤلف، یا مخترع، خطائی کرده، بر خطای او تنبیه کند و فساد او را اصلاح نماید.

و تألیفاتی که بیرون این هفت قسم است، مثل اکثر مؤلفات غیر متبحرین، شایسته اعتنای فحول و زینده مراجعه ارباب الباب و العقول نیست.

شفاء الصدور فی شرح زیارت العاشور / ۱، چاپ سنگی

نکته در خور توجه، جایگاه نوآوریها در اندیشه فرهیختگان پیشین است که اولویت نخست را به انجام کارهای نشده و راه های نرفته داده اند.

باری، ما اگر بخواهیم از گشایشی که در کار پژوهش پیش آمده، بهترین بهره ها را ببریم، بایستی تهیگاه ها را پر کنیم و گسلها و گسسته های پدید آمده در ساحت پژوهش را بازسازی کنیم، به سامان دهی پژوهش

- ◆ پردازیم و کاستیها، آسیبها و آفتها را بشناسیم و به جبران و جلوگیری از آنها، همت گماریم.
- ◆ دانش فقه، از آن جا که عهده دار روشنگری مرز بایدها و نبایدهاست، می تواند در برداشتن و زدودن بسیاری از بازدارنده ها، آفتها و آسیبهای پژوهشی و حتی در برنامه ریزیهای پژوهشی، کارگشا و نقش آفرین باشد.
- ◆ در مثل، فقه، با توجه به نیازهای جامعه، می تواند:
- ◆ - در جهت گیری پژوهشها، نقش آفرین باشد و اظهار نظر کند.
- ◆ - در گزینش گزاره های پروژه های پژوهشی، با توجه به زمان و مکان و نیازها، باید و نباید داشته باشد.
- ◆ - پژوهش در پاره ای از مقوله ها و گزاره ها را که تنها از شماری از فرهیختگان، دانشوران و عالمان بر می آید، بر آنان واجب عینی سازد و وارد شدن کم مایگان، کم دانشان و کم تجربگان را به پاره ای از وادیها و عرصه های پژوهش، حرام گرداند.
- ◆ - شماری که از آشفته بازار پژوهش به ناروا بهره می برند و به آثار دیگران دستبرد می زنند و فکر و اندیشه روشن روانان، دانایان، و اهل دانش و پژوهش را، مزورانه و ترفند بازانه به نام خود ثبت می کنند، به عنوان دروغ گو، دست یازنده به حقوق دیگران، آلوده کنندگان فرهنگ و دانش، غش در کار و ... بشناساند و ناروایی کار آنان را بنمایاند و ناشایستگی و نادرستی کار این گونه کسان را به درستی آشکار سازد و دامن پژوهش را از این آلودگیها و سیاه کاریها پاک سازد.
- ◆ - مقوله و گزاره حق التألیف و کپی رایت را به بوته بررسی نهد و با بیان روشن، همه سویه، از بسیاری از حق کشیهای ناشران و مؤسسه های

- ◇ بی تعهد و تباه کننده فرهنگ و اندیشه، جلوگیری کند و از حق نویسندگان و
 ◇ نوآوران به دفاع برخیزد، تا گل اندیشه بشکفتد و پژوهش گران نوآور،
 ◇ امیدوارانه و با انگیزه بالا، در عرصه نوآوری به تلاش خود ادامه دهند.
 ◇
 ◇ باری، اگر پژوهش را به عنوان یک گزاره مهم و بنیادین و با گستره
 ◇ گسترده، به فقه عرضه بداریم، روشن است که باید و نبایدهای بسیاری را
 ◇ برای جامعه علمی ما روشن و از این آشفتگی جلوگیری خواهد کرد.
 ◇ اگر فقه، به درستی و به همت و پشتکار فقیهان نواندیش و همه
 ◇ سویه نگر و آشنای به دنیای جدید پژوهش، پا در ساحت پژوهش بگذارد،
 ◇ دگرگونی ژرف و بنیادینی پدید خواهد آورد و دستورالعملهای ارزنده ای فرا
 ◇ راه معماران و سامان دهندگان امر پژوهش خواهد گذارد و به آنان یاری
 ◇ خواهد رساند که عرصه پژوهش را از آنها، آسیها و آلودگیها پاک سازند.
 ◇ در یک کلام، پژوهش امروز، برای به در آمدن از باتلاق نابسامانها،
 ◇ نیازمند فقه پژوهش است.
 ◇
 ◇ جامعه فقهی ما، با تلاش و تکاپو، ژرف نگری، درنگ و دقت، باید
 ◇ در میدان پژوهش قداافرازد و حریم آن را از هرگونه حرکت حریم شکنانه
 ◇ پاس بدارد و نگذارد با بلبشوی نبود قانون و مجال طرح نیافتن آیینها و
 ◇ قانونهای شرعی، هر رهنزی قداافرازد و به تاراج پژوهش پژوهش گران
 ◇ ناب اندیش پردازد و یا سوداگرانه با مقوله های نیازمند به پژوهش دقیق و
 ◇ کالبدشکافانه برخورد کند و انسانهای جویای حقیقت را به سرابه های
 ◇ خودساخته رهنمون شود که نه تنها تشنگی آنان را فرو نماند که رمیدگی
 ◇ در آنان پدید آورد.

- ◇ امروزه، فقیهان روشن اندیش و روشن روان، اگر بتوانند به درستی
- ◇ ساحت پژوهش را از هر گزند و آلودگی، با درآوردن باید و نبایدها از دل
- ◇ شریعت، به دور بدارند، زمینه را برای دگرگونیهای بزرگ فراهم
- ◇ آورده اند. زیرا پژوهش به دور از آفتها و گزندها، سالم و شاداب، خیلی
- ◇ زود جامعه علمی را از رکود به در می آورد، غبار از چهره آن می زداید و
- ◇ افقهای روشن را به آن می نمایاند.
- ◇ از رکود به درآوردن جامعه، بالنده و شاداب گردانیدن آن، دمیدن
- ◇ روح حیات به کالبد آن، با پژوهش بی غل و غش، ناب و بی آمیغ ممکن
- ◇ است.
- ◇ جامعه هایی که به اوج رسیده و از تنگناها به در آمده و شکوفان شده اند،
- ◇ باید و نبایدهایی در پژوهش داشته و با آئینها و قانونهای سخت و استوار از
- ◇ حریم آن، جانانه، در همه آنات و در همه فراز و نشیبا، به دفاع برخاسته
- ◇ و نگذاشته اند به هیچ روی گزندی به آن برسد.
- ◇ نویسنده، ناشر، دولت و مردم، همه و همه، با هماهنگی و رأی مندی
- ◇ نگذاشته اند چشمه جوشان پژوهش از جوشش باز ایستد و بخشکد و از
- ◇ زلال آن بی بهره مانند و از پای درآیند.
- ◇ اینان خوب دریافته اند، وقتی می تواند جامعه از لاک و پوسته خود به
- ◇ در آید و در جاده های ناپیموده شده حرکت خویش را بیآغازد که از
- ◇ اندیشه های نو سرچشمه گرفته از پژوهش، پرتو بگیرد و درون خویش را
- ◇ از تاریکیها و تیرگیها پاک سازد.
- ◇ جامعه ای شکوفان می شود و در دل خود تمدنی بزرگ را می پروراند
- ◇ که نوآوران و پژوهش گران و نویسندگان و اهل فکر و اندیشه اش، با نگهداشت

◆ حقوقشان، در رأس هرَم قرار بگیرند و صدرنشین باشند.

◆ این نکته بس مهم را بسیاری از کشورها و جامعه ها به خوبی دریافته اند

◆ و بر نگهداشت و پاسداری حقوق نویسندگان و نوآوران و پژوهش گرانشان

◆ پای می فشارند و نمی گذارند در این ساحت مقدس و تمدن آفرین،

◆ آلودگی راه یابد.

◆ در گذشته، ما نیز چنین بوده ایم و بلکه سخت گیرتر و امروز نیز باید

◆ چنین باشیم، تا به آن شکوفاییها و مجدها دست یابیم.

◆ بی گمان، در هنگامه سروری و آن گاه که جامعه علمی مسلمانان، با

◆ مشعلهای برافروخته دانش خویش، دنیای اسلامیان و دیگران را از جهل و

◆ تاریکی به در آورده و روشن کرده بود، پژوهش حریم داشته و هیچ کس را یاری

◆ آن نبوده که به این حریم مقدس وارد شود، آشفتگی و پریشانی پدید آورد.

◆ اسلامیان، حریم پژوهش را پاس داشتند که رائد قوم و پیشاهنگ

◆ دانش در جهان شدند. تا وقتی که چنین بود، چنان بودند، در اوج

◆ آسمانها، آفرینندگان دنیای جدید و زمینه ساز تمدن دیروز و امروز. از

◆ وقتی که از گردونه برکنار ماندند و پژوهش، نوآوری، شناخت و کشف

◆ ناشناخته ها، کم رنگ شد و پژوهش گران، نوآوران و کاشفان از صدر به

◆ زیر آمدند، کسی آنان را ننواخت و پژوهش و نوآوری شان را ارج

◆ نگذاشت، دست تاراج گران باز گذاشته شد، دلقکها، پژوهش گر نماهای

◆ رهن میدان دار شدند، جامعه اسلامی از فراز به فرود آمد و بال و پرش

◆ سوخت و از اوج آسمانها فرو افتاد و دیدیم و دیدید که چه شد و چسان از

◆ کاروان تمدن واپس ماند.